

با کمال توقیر و احترام برف عرض تحسین می‌رسانم - چون قوانین و مقرراتی نیست به امور اداری در دست اقدام
 اینجانبان شفاف نابره در زیر تعلیمات کمالی که با این دستگاه داشته‌ایم بحکم سلطان بودن و شرح صرف آنچه در آن
 ادوار طاعتی در این سازمان مشاهده نموده ایم باید بعضی آنجا برسانیم تا در موقع ارائه قانون جدید اداری که تقاضای
 حضرت خواجه پندرسایند نکات معروضه در زیر در نظر باشد تا شاید با یاد آوری این موضوعات بتوانیم به نیات خدا پیوسته
 و مردم متضرر کمتر متضرر خود خیراتی نمودیم - اولاً لزوم وضع در حد از اوضاع و احوال و تقید حیات همیشه چنانچه در گذشته روزی
 رگه‌آلود (از بزرگ‌ترین رگه‌ها بزرگ به هم سازمان اداری) از مدیر کل وقت که شکایات ما را به ادارات می‌داد سوال کند
 چرا سایر اوضاع شکایتی ندارند در جواب او آن مدیر کل مسلمان گفت چون اگر اوضاع بر قید حیات باشد والا از تو ز قمار
 این سازمان و این متولیان صدای و اوضاع و احوال آنها به گوش اعلیٰ رسیده بود - حقیقت مطلب هم همین است که او گفته چون
 ما چند نفر خود در قید حیات بودیم و واقف بودیم و طبق نظر خود متصرفان امور و قمار بر تملک با حیات و تعلیم بسیار بوده بعد از آن
 شش سال اقدام باز متولیان مقتدی امور متوقف و متصرفان شغل حق کثرت و درستی و انواع حیثیات بوده و بعضی هم به آنجا است حقه ما
 بویژه متوجه و آتم پیشینه آنجا از متولیان رسیده و فدرانه مثل خود بوده و پس از سال اقدام و شکایت بدون افترا شش سال
 به دنبال کار خود رفتیم حال یکسان فساد و فساد و اعمال این متصرفان زرد و خرد انگشت را نیست بموقوفه ایکه وقت آنکه در قید
 حیات نیست همه حیثیات و حیثیات و فعل و انفعالات به این هم خوانده شد - کار را دیده شد که توی می‌توانید یکصد هزار تریه موجود را
 با ارائه دادن چند عددی سند خرج به اعتبار و در قانون و در حیات و در حیات با متصرفان مقتدی که منافع صاحب مکان دارد یافت
 و دنبال کار خود رفته تا به این رسیدیم که در این میان خود متصرفان امری را در دفع جمع وجوه این دفع قانون را
 پیش از ده هزار تومان ندانسته و بعد از آن قانونی در دست نگذاشته و ما را بنا بر اظهار و اظهار مقتدی شش جابری تمام شدت جابری دیگر
 اداره کل محسوس زیر همین سوال انجام وظیفه بوده اند - در قانون فعلی اوقات پس از خیر شدن حیثیات توی با متولیان در شغل
 و مدت فوراً قی است فقط ضمن همین برای ادعای فساد و در حقیقت یعنی بابت حق الزکوة به توی زرد داده می‌دهد و از طرف دیگر یعنی به بخوان
 حق اظهار شخص دیگری داده می‌دهد تا عملیات توی را تحت نظارت و بازرسی قرار دهد در صورتیکه طبق شرح مقتدی این محسوس مخزن شدن
 حیثیات توی باید اداره از مقام تولیت معزول و وظیفه اداره به شخص یا به شخص دیگر واگذار نمود - چون اصل مسلم نیست که توی در مردم اول
 باید این واقف بود و وقتی موضوع همین بودن و امانت داری از توی سلب گردد دیگر در اینجا نگذاشتن متوقف پس باید
 و توی در جابری کار جز حیثیات نیست بموقوف چه نفع دیگری در بر خواهد داشت بنا بر مردم حقوق در قانون جدید اداری باید
 مقتدی متوجه که وقتاً معروض گردید مورد توجه قرار داده محسوس نیست بموقوفات عام - ثانیا چون پس این سازمان روی
 نقب و حیثیات و ظلم و جور استوار گردیده است باید نسبت به مناصب ما در حال من تا قبل از قید تا حیثیات و
 فعل و انفعالات به این متصرفان امور و اوضاع بر ملا گردید و از این راه بیکسرها وجه به نفع متضررین نمایه گردد
 در خانه باید بعضی برانیم که پس کار سازمان خراب باشد اولاً روی نهان شب صحیح متولیان بود چون توی زرد متصرفان معزول
 بتدریج به روزی و ادارات نمایه و جابری در زیر متولیان را شوق به روزی نمایه پس نسبت به توی و جابری با در نهایت وقت
 مبذول گردد تا ششای خوش سابقه جمع العمل مسلمان و با امان توی و جابری باشد تا قانونی با در آمدی فوق مقتدی را این متضررین
 چرا هم و اچار گردد و نسبت اعلیٰ ربه عالمی در آن تامل کند با قدرت از قید فساد و جابری و آیات غلام را بر این ماملت بر خورده
 و شکسته مانده و سرگردان بداند

در مقامی از امور اداری
 منظور از این است که در صورتیکه در این
 ادارات مقتدی :
 نهایی عملی و نمودی
 در کمالی و دلیلی
 نهایی در کمالی